

ده خاطره از شهید عباس دوران

۲ مرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۵:۰۵

در یکی از روزهای بهار سال ۱۳۶۰ مسئولین شهر شیراز تصمیم می گیرند به خاطر رشادت ها و دلاوری های عباس دوران، یکی از خیابان های شهر شیراز را به نام او کنند؛ لذا از دوران دعوت می شود تا در مراسم شرکت کند و او نیز قبول کرده و به آن جا می رود که از دوران به شایستگی تقدیر می شود.

در یکی از روزهای بهار سال ۱۳۶۰ مسئولین شهر شیراز تصمیم می گیرند به خاطر رشادت ها و دلاوری های عباس دوران، یکی از خیابان های شهر شیراز را به نام او کنند؛ لذا از دوران دعوت می شود تا در مراسم شرکت کند و او نیز قبول کرده و به آن جا می رود که از دوران به شایستگی تقدیر می شود.

چون او ضربات مهلکی به دشمن وارد نموده بود، همیشه عوامل نفوذی دشمن قصد ترور وی را داشتند که یکی از این موارد هم در همین زمان بود که خوشبختانه این ترور عقیم ماند.

درد دل خود عباس

هشتم تیر ۱۳۶۰

دل نمی خواهد از سختی ها با همسر حرفی بزنم. دل می خواهد وقتی خانه می روم جز شادی و خنده چیزی با خودم نبرم؛ نه کسل باشم، نه بی حوصله و خواب آلود تا دل همسر هم شاد شود. اما چه کنم؟ نسبت به همه چیز حساسیت پیدا کرده ام. معده ام درد می کند. دکتر می گوید فقط ضعف اعصاب است. چطور می توانم عصبانی نشوم؟ آن روز وقتی بلوار نزدیک پایگاه هوایی شیراز را به نام من کردند، غرور و شادی را در چشم های همسر دیدم. خانواده خودم هم خوشحال بودند. حواله زمین را که دادند دستم، من فقط به خاطر دل همسر گرفتم و به خاطر او و مردم که این همه محبت دارند و خوبند پشت تریبون رفتم. ولی همین که پام به خانه رسید، دیگر طاقت نیاوردم. حواله زمین را پاره کردم، ریختم زمین. یعنی فکر می کنند ما پرواز می کنیم و می جنگیم تا شجاعت های ما را ببینند و به ما حواله خانه و زمین بدهند؟ باید با زبان خوش قانعش کنم که انتقال به تهران، یعنی مرگ من. چون پشت میزنشینی و دستور دادن برای من مثل مردن است.

۲) در طول پرواز صحبت نمی کرد. همواره می گفت: اگر از مسیر منحرف شده و یا حالت نامتعادلی داشتم، با من صحبت کنید،

خودتان هم مواظب اطراف باشید. همچنین بسیاری از دوستانش از زبان او شنیده بودند که اگر روزی هواپیمای من مورد هدف قرار گیرد، هرگز آن را ترک نمی کنم و با آن به قلب دشمن حمله ور می شوم.

۳) وقتی قرار شد به پاس کاردانی های وجانفشانی های مکرر از پایگاه هوایی بوشهر به تهران انتقال یافته و در ستاد عملیات نیروی هوایی خدمت کند. همسرش فوق العاده خوشحال شد و او را تشویق کرد تا هرچه زودتر برای انتقال اقدام کند. اما او در دفتر یادداشتش نوشت. باید بازبان خودش قانعش کنم انتقال به تهران یعنی مرگ من چون پشت میزنشینی و دستور دادن برای من مثل مردن است.

۴) تابستان ۱۳۶۱ صدام حسین بر برگزاری کنفرانس سران غیر متعهدها در بغداد پافشاری و تاکید داشت و چند ماه زودتر بنزهای تشریفات خریداری شد برای اجلاس. را در اتوبان های بغداد به نمایش گذاشت اما صبحگاه تیر ۱۳۶۱ آخرین پرواز عباس دوران. جولان بر فراز بغداد با جنگنده دوست داشتنی اش F۴-E۳ ۶۵۷۰ و بمباران پالا یشگاه الدوره بود. اوضمن نمایشی از عزت و شجاعت. جنگنده ی شعله ورش راباخشم و کین بر قلب دشمن فرود آورد تا خواب صدام را پریشان کرده و میزبانی اجلاس سران غیره متعد ها را از او بگیرد.

۵) او به عنوان لیدر دسته ای دو فروند F۱۴ برای مقابله با تجاوز هوایی ۹ فروند هواپیمای دشمن از زمین بلند شد. دقایقی بعد در حالی کنترل زمینی به آنها هشدار می داد که مراقب باشند تا مورد اصابت قرار نگیرند در آسمان خوزستان به سوی جنگندها مهاجم حمله ور شد و با سرنگون کردن دو فروند میگ ۲۳ عراقی بقیه را مجبوره فرار کرد. این نبرد درخشان هوایی در جدول آمارهای و رکود درگیری های هوایی جهان بانام DoWran_A بسیار پر آوازه و برای هر ایرانی غرورآفرین است.

۶) عملیات در تاریخ ۱۳۵۹.۹.۷ شروع می شود. در همان ساعات ابتدایی نبرد در یک عملیات متحورانه عباس دو ناوچه نیروی دریایی عراق را در حوالی اسکله «الامیه» و «البکر» سرنگون کرد. تا پایان عملیات، دوران و همزمانش مرتبا هواپیما عوض می کردند. بطوریکه بعد از فرود، دوران از هواپیما پیاده می شد و به هواپیمای دیگری که مسلح بود سوار می شد و به نبرد ادامه می داد. عباس بی نهایت شجاع بود. آن روزها سخت ترین مأموریتها را قبول می کرد. در این عملیات به او که در حال پرواز بود اطلاع دادند باید عملیات نیمه تمام رها شود، که عباس قبول نکرد و با رشادت تمام این دو اسکله را نابود ساخت. چنان چه م گفتند و به اثبات هم رسیدف نیروی دریایی عراق را سرهنگ خلبان عباس دوران و سرهنگ خلبان خلعتبری به نابودی کشاندند.

۷) امروز پرواز cas انجام دادیم من شماره دو بودم. شماره یک سرتیپ محمود ضربی خلبان و عسگری کمک بود، شماره دو من خلبان و پیروان کمک بود.

در طول مسیر در ارتفاع بالا پرواز می کردیم. اهواز را در ارتفاع ۵ هزار پایی قطع و نیروهای دشمن را کاملاً دیدم. آنها به طرف ما تیراندازی می کردند. البته ۵ دقیقه دیرتر روی هدف رسیده بودیم و با یک دسته هواپیماهای اف ۵ خودی روبرو شدیم که البته اتفاقی نیفتاد. نیروی های دشمن در حال کندن سنگر بودند و ما هم نیروی توپ خانه و یا زرهی که همراه با فرمانده و

تجهیزات باشد نداشتیم ، به هر حال راکتها و فشنگها را روی آنها ریخته و خیلی واضح دیدم که یکی از تانکها آتش گرفت ، البته موقع زدن راکت در ارتفاع پانصد پایی بودم .

۸) در آستانه عملیات بیت المقدس، دشمن دست به تحرکات گسترده ای زده بود و مرتبا نیرو و تجهیزات به جبهه های جنوبی ارسال می کرد. لذا از سوی نیروی هوایی تدبیری اندیشیده شد تا ضربه ای کاری به دشمن وارد شود لذا بعد از کسب اطلاعات لازم و تهیه نقشه های پروازی، تصمیم بر این شد که در یک عملیات گسترده هوایی عقبه دشمن از جمله نفرات و تجهیزات آنها از ارتفاع بالا بمباران شدید شود.

در ۲۹ اسفند سال ۱۳۶۰ طرح آغاز شد و دوران به عنوان لیدر یا همان فرمانده دسته پروازیف انتخاب و ۱۵ نفر از خلبانان تیزپرواز ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز انتخاب شدند. بعد از توجیهات لازم توسط دوران، همگی به پرواز درآمدند و با هدایت او مواضع دشمن به سختی بمباران شد و راه برای فتح خرمشهر هموار گردید.

۹) عباس دوران در طول ۲۲ ماه حضور در جنگ ۱۲۰ پرواز عملیاتی داشتند. آنهایی که اهل پرواز هستند می دانند که غیرممکن است. شاید هیچ خلبانی پیدا نشود که توانسته باشد از عهده این کار برآید و این در آن زمان یک رکورد در نیروی هوایی محسوب می شد. در بین نیروی های دشمن نیز دوران خیلی معروف بود و زهرچشمی از عراقی ها گرفته بود که عراقی ها آرزو داشتند او را اسیر کنند.

۱۰) این عملیات برای جمهوری اسلامی از نظر سیاسی بسیار مهم بود. اگر کنفرانس سران کشورهای غیره متعهد در بغداد برگزار می شد صدام به مدت ۸ سال ریاست آن را به عهده می گرفت .تنهاراهی که می شود از برگزاری کنفرانس جلوگیری کرد. ناامن نشان دادن بغداد بود برگزاری بود که صدام به امنیت آن افتخار می کرد . عباس با این حرکت شهادت طلبانه اش باعث شد که این اجلاس به علت فقدان امنیت در بغداد برگزار نشود.. به آسمان پرکشید... باروحي به وسعت آسمان . قصد ترک سفینه ی آتش گرفته را نداشت این را بارها قبل از حادثه به دوستانش گفته بود که (بعضی ها آرزوی اسارت مرا به گور خواهند برد) عاشقانه در حالی که به کابین عقب خود دستور خروج اضطراری داده و دستگیره ی خروج او را کشیده بود جنگنده ی شعله ورش را به یکی از ساختمانهای نظامی بغداد کوبید واز حجم انبوه دود و آتش برای مشاهدی جمال الهی به آسمان ها پرکشید.. پس از سال ها غربت در روز دوم مرداد ۱۳۸۱ بقایای پیکر پاک سرلشکر شهید عباس دوران به خاک میهن بازگشت تا این سند افتخار همیشه جاویدان تاریخ ایران اسلامی در سرزمینی که دوست داشت تشییع و در دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شود..

